Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries
Online ISSN: 3060-5997
https://diplic.qom.ac.ir

Challenges of Intellectual Property Law in the Iranian Legal System: An Analysis Based on the Foundations of Imamiyyah Jurisprudence and the Requirements of the Digital Age

Mahdi Soltani gishin [1], **Ali hadadzade shakiba** [2]

1. Graduated from a joint masters degree in Islamic Studies and Law (Private Law Major), Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran (Corresponding author), Email: mahdisoltani7900@gmail.com
2. Assistant professor of law faculty in the law and theology college of Shahid Bahonar university of kerman, Iran, Kerman. Email: haddadzadehshakiba@gmail.com

Abstract

Received: 31/05/2026
Revised: 10/08/2026
Accepted: 05/09/2026
Published online: 27/09/2026

The rapid development of digital technologies and the expansion of the knowledge-based economy have significantly transformed the concept of intellectual property (IP), creating new legal challenges for national legal systems. Despite the growing importance of intellectual assets, the Iranian legal framework continues to face conceptual, legislative, judicial, and technological deficiencies in providing effective protection for intellectual property rights. This study aims to analyze these challenges through the lens of Imamiyyah (Ja'fari) jurisprudence and to evaluate the capacity of Islamic legal principles to support modern intellectual property rights. Employing a descriptive-analytical methodology based on library research, the study examines fundamental jurisprudential principles, including customary proprietary value (Māliyyah), the practice of rational persons (Bināʾ al-ʿUqalāʾ), the rule of dominion (Qa'idat al-Taslit), respect for property, and the principles of liability for destruction and causation. The findings demonstrate that Imamiyyah jurisprudence possesses sufficient theoretical foundations to recognize and protect intellectual property rights. Nevertheless, inadequate legislative implementation, fragmented regulations, inconsistent judicial practice, and the absence of comprehensive rules governing emerging technologies—particularly artificial intelligence, blockchain, and data-driven innovations—have reduced the effectiveness of the existing legal system. The study concludes that adopting a comprehensive intellectual property law, strengthening specialized judicial mechanisms, and developing a dynamic interpretation of Islamic jurisprudential principles are essential for ensuring effective legal protection of innovation and creativity in the digital era.

Keywords: Intellectual Property Law; Imamiyyah Jurisprudence; Customary Proprietary Value; Intangible Assets; Artificial Intelligence; Digital Economy; Iranian Legal System.

How To Cite: Soltani gishin, M. & hadadzade shakiba, A. (2026). Challenges of Intellectual Property Law in the Iranian Legal System: An Analysis Based on the Foundations of Imamiyyah Jurisprudence and the Requirements of the Digital Age, ***Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries,*** 2(3), 25-49. https://www.doi.org/ 10.22091/diplic.2026.16850.1054

Published by: University of Qom **© The Author(s)** **Article type: Research**

آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی
https://diplic.qom.ac.ir
شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۵۹۹۷

چالش‌های حقوق مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران؛ تحلیلی بر مبانی فقهی و الزامات عصر دیجیتال

مهدی سلطانی گیشن [۱]، علی حدادزاده شکیبا [۲]

۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق(گرایش حقوق خصوصی)، دانشکده حقوق و الهیات ، دانشگاه شهید باهنرکرمان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: mahdisoltani7900@gmail.com
۲. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران، کرمان، رایانامه: haddadzadehshakiba@gmail.com

چکیده

تحولات فناوری و گسترش اقتصاد دانش‌بنیان، حقوق مالکیت فکری را به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حقوق خصوصی تبدیل کرده است. با وجود این، نظام حقوقی ایران در حمایت از دارایی‌های فکری با چالش‌هایی همچون ابهام در مبانی نظری، پراکندگی قوانین، نارسایی رویه قضایی و فقدان مقررات متناسب با فناوری‌های نوین مواجه است. پژوهش حاضر با هدف تبیین و تحلیل این چالش‌ها، مبانی حقوق مالکیت فکری را در پرتو فقه امامیه بررسی کرده و ظرفیت قواعدی همچون مالیت عرفی، بنای عقلا، قاعده تسلیط، احترام مال، اتلاف و تسبیب را در حمایت از دارایی‌های نامشهود ارزیابی می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی‌تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، ضمن نقد رویکردهای موجود، چالش‌های مفهومی، تقنینی، قضایی و فناورانه نظام حقوق مالکیت فکری ایران را تحلیل کرده و آن‌ها را با تحولات حقوق تطبیقی مقایسه می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقه امامیه از ظرفیت لازم برای حمایت از حقوق مالکیت فکری برخوردار است، اما انعکاس ناکافی این ظرفیت‌ها در قوانین و رویه قضایی، کارآمدی نظام حقوقی را کاهش داده است. ازاین‌رو، تدوین قانون جامع مالکیت فکری، تقویت رویه‌های تخصصی قضایی و بازخوانی پویا از مبانی فقهی متناسب با اقتضائات عصر دیجیتال، مهم‌ترین راهکارهای ارتقای حمایت حقوقی از نوآوری و خلاقیت در ایران محسوب می‌شوند.

کلیدواژگان: حقوق مالکیت فکری، فقه امامیه، مالیت عرفی، دارایی‌های نامشهود، هوش مصنوعی، حقوق فناوری، نظام حقوقی ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰
تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۷/۰۵

استناد: سلطانی‌گیشن، مهدی و حدادزاده شکیبا، علی (۱۴۰۵). چالش‌های حقوق مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران؛ تحلیلی بر مبانی فقهی و الزامات عصر دیجیتال، آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی، ۲(۳)، ۴۹-۲۵. https://www.doi.org/10.22091/diplic.2026.16850.1054

ناشر: دانشگاه قم
© نویسندگان
نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

گسترش اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه فناوری‌های نوین، موجب شده است که دارایی‌های فکری به یکی از مهم‌ترین منابع ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جهان معاصر تبدیل شوند. در چنین شرایطی آثار ادبی و هنری، اختراعات، علائم تجاری، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، پایگاه‌های داده و سایر دستاوردهای فکری، نه‌تنها موضوع حمایت حقوق خصوصی قرار گرفته‌اند، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان توسعه اقتصادی و انتقال فناوری و افزایش توان رقابتی کشورها نیز شناخته می‌شوند. به همین دلیل، نظام‌های حقوقی مختلف طی دهه‌های اخیر تلاش کرده‌اند با توسعه قواعد مالکیت فکری میان حمایت از حقوق پدیدآورندگان و تأمین منافع عمومی تعادل برقرار کنند. در نظام حقوقی ایران نیز اگرچه با تصویب قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ که در سال ۱۴۰۳ توسط قانون حمایت مالکیت صنعتی نسخ گردید؛ گام‌های مهمی در جهت حمایت از حقوق مالکیت فکری برداشته شده است، اما تحولات سریع فناوری و گسترش اقتصاد دیجیتال، کاستی‌های قابل توجهی را در ساختار تقنینی و اجرایی این حوزه آشکار ساخته است.

افزایش نقض حقوق مؤلف در بستر اینترنت، ابهام در وضعیت حقوقی آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی، چالش‌های مربوط به داده‌های دیجیتال و فقدان رویه قضایی منسجم در جبران خسارت ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری، تنها بخشی از مسائل نوظهوری هستند که نظام حقوقی ایران با آن‌ها مواجه است. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین مباحث نظری در ادبیات حقوق مالکیت فکری ایران، نسبت این حقوق با مبانی فقه امامیه است. اگرچه در منابع کلاسیک فقه، نهادی مستقل با عنوان «مالکیت فکری» مشاهده نمی‌شود، اما بسیاری از فقهای معاصر و نویسندگان حقوقی بر این باورند که قواعد عام فقه معاملات، مانند مالیت عرفی، قاعده تسلیط، احترام مال، منع اکل مال به باطل، اتلاف، تسبیب و لاضرر، ظرفیت لازم برای شناسایی و حمایت از این دسته از حقوق را دارا هستند. با وجود این، صرف پذیرش مشروعیت حقوق مالکیت فکری، پاسخگوی چالش‌های پیچیده کنونی نیست؛ زیرا بخش عمده مسائل امروز، نه در اصل مشروعیت این حقوق بلکه در نحوه اعمال و حمایت و اجرای آن‌ها بروز یافته است.

مطالعه ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات انجام شده درباره حقوق مالکیت فکری را می‌توان در دو جریان اصلی دسته‌بندی کرد. جریان نخست، پژوهش‌های فقهی است که با هدف اثبات یا نفی مشروعیت

حقوق مالکیت فکری، به بررسی مبانی فقه امامیه پرداخته‌اند. در این میان، پژوهش حکمت‌نیا و محمدعیسایی با عنوان «نقش مبانی نظری در شناخت و تعریف نظام حقوق مالکیت فکری» از نخستین مطالعاتی است که با تکیه‌بر بنای عقلا، سیره عقلایی و مفهوم مالیت عرفی، تلاش کرده است امکان پذیرش حقوق مالکیت فکری در فقه امامیه را تبیین کند. همچنین مقاله «مسئولیت مدنی ناشی از اضرار به حقوق مالکیت فکری اثر همین نویسندگان، قواعد اتلاف، تسبیب و ضمان را به‌عنوان مبانی جبران خسارت ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری بررسی کرده است. افزون بر این، برخی پژوهش‌های فقهی همچون مبانی مالکیت فکری اثر محمود حکمت نیا نیز با تحلیل قواعد احترام مال، قاعده لاضرر و اصل تسلیط، بر قابلیت استنباط حمایت از دارایی‌های نامشهود در فقه امامیه تأکید کرده‌اند. با وجود اهمیت این مطالعات، تمرکز آن‌ها عمدتاً بر اثبات مشروعیت فقهی حقوق مالکیت فکری بوده و کمتر به چالش‌های تقنینی و قضایی ناشی از تحولات فناوری پرداخته‌اند.

جریان دوم، پژوهش‌های حقوقی است که بر تحلیل قوانین موضوعه ایران تمرکز داشته‌اند. سید حسن میرحسینی در کتاب مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، ضمن تبیین نظام حقوق مالکیت فکری ایران، به تحلیل قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ پرداخته است. در سال‌های اخیر نیز پژوهش‌هایی مانند «حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی» اثر علی مشرفی و همکاران و «مبانی حمایت از آثار فرهنگی، ادبی و هنری و شیوه‌های جبران خسارت نقض آن در نظام حقوقی ایران» اثر هوشنگ عبدالله زاده و همکاران، خلأهای حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط دیجیتال، شیوه‌های جبران خسارت و ضرورت به‌روزرسانی قوانین را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعات هرچند در شناسایی کاستی‌های تقنینی و اجرایی نقش مهمی داشته‌اند، اما غالباً رویکردی توصیفی نسبت به قوانین داشته و ارتباط میان این کاستی‌ها و ظرفیت‌های فقه امامیه را کمتر مورد تحلیل قرار داده‌اند. بررسی ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که هر یک بخشی از مسئله را تبیین کرده‌اند؛ پژوهش‌های فقهی بیشتر بر مشروعیت حقوق مالکیت فکری متمرکز بوده‌اند، مطالعات حقوقی عمدتاً به تحلیل قوانین موضوعه پرداخته‌اند. بااین‌حال تاکنون پژوهشی که به‌صورت یکپارچه، ظرفیت‌های فقه امامیه را در تحلیل چالش‌های مفهومی، تقنینی، قضایی و فناورانه حقوق مالکیت فکری ایران بررسی کرده باشد، مشاهده نمی‌شود.

ازاین‌رو، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که به جای پرداختن صرف به مشروعیت فقهی یا تحلیل توصیفی قوانین، با اتخاذ رویکردی مسئله‌محور، چالش‌های نظام حقوق مالکیت فکری ایران را بر پایه مبانی فقه امامیه بازخوانی کرده و نشان می‌دهد که چگونه از طریق قواعدی همچون مالیت عرفی، بنای عقلا، قاعده تسلیط، احترام مال، اتلاف و تسبیب می‌توان مبنایی برای تفسیر پویا و اصلاح نظام تقنینی و قضایی به‌ویژه در مواجهه با هوش مصنوعی، بلاکچین و اقتصاد داده فراهم آورد؛ به نحوی که وجه تمایز این پژوهش با مطالعات پیشین، آن است که به جای تمرکز بر مشروعیت یا عدم مشروعیت مالکیت فکری به تحلیل کارآمدی مبانی فقهی در حل مسائل عملی و نوپدید پرداخته شده است و سعی در انسجام‌دهی میان مباحث نظری فقه و نیازهای روز نظام حقوقی ایران شده است. بر همین اساس، مقاله حاضر با روش توصیفی‌تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ابتدا، ضمن تبیین مبانی فقهی حمایت از حقوق مالکیت فکری، به بررسی چالش‌های اصلی این حوزه در چهار محور مفهومی، تقنینی، قضایی و فناورانه پرداخته و با اتکا به قواعد فقه امامیه، راهکارهایی برای ارتقای نظام حقوقی ایران درزمینهٔ حمایت از مالکیت فکری ارائه می‌دهد.

۱. مبانی نظری و فقهی حمایت از حقوق مالکیت فکری

ذیل این مبحث به مبانی نظری و فقهی حمایت از حقوق مالکیت فکری پرداخته شده است.

۱-۱. مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری یکی از مهم‌ترین شاخه‌های حقوق خصوصی است که با هدف حمایت از دستاوردهای فکری، خلاقیت‌های ذهنی و نوآوری‌های علمی و صنعتی شکل گرفته است. برخلاف مالکیت سنتی که موضوع آن اموال مادی و عینی است، موضوع حقوق مالکیت فکری دارایی‌هایی است که منشأ آن‌ها فعالیت ذهنی و فکری انسان است و ارزش اقتصادی آن‌ها نه از ویژگی‌های مادی، بلکه از قابلیت بهره‌برداری انحصاری و ارزش تجاری ناشی می‌شود (Gervais, 2022: 2; Bently & Sherman, 2024: 5). در ادبیات حقوقی، مالکیت فکری معمولاً به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود: نخست، مالکیت ادبی و هنری که شامل حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و حقوق مرتبط است و دوم، مالکیت صنعتی که اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، اسرار تجاری و نشانه‌های جغرافیایی را در برمی‌گیرد (شکیب، ۱۳۸۱: ۱۷). بااین‌حال، پیشرفت فناوری موجب شده است که امروزه داده‌های دیجیتال، نرم‌افزارها، الگوریتم‌های هوش مصنوعی، پایگاه‌های داده و حتی برخی دارایی‌های مبتنی بر فناوری بلاکچین نیز در قلمرو مباحث مالکیت

فکری قرار گیرند و پرسش‌های جدیدی را درباره حدود حمایت حقوقی از این دارایی‌ها مطرح سازند (شاکری، ۱۴۰۳: ۸).

با وجود پذیرش گسترده حقوق مالکیت فکری در نظام‌های حقوقی معاصر، ماهیت حقوقی این نهاد همچنان محل اختلاف است. گروهی از حقوق‌دانان، آن را نوعی مالکیت دانسته و معتقدند که همان ویژگی‌های اساسی مالکیت، یعنی انحصار، قابلیت انتقال و حمایت در برابر اشخاص ثالث، در این حقوق نیز وجود دارد (کاتوزیان،۱۳۹۸: ۴۴). در مقابل برخی دیگر با تأکید بر تفاوت‌های بنیادین میان اموال مادی و دارایی‌های فکری، حقوق مالکیت فکری را در زمره «حقوق مالی خاص» یا «حقوق انحصاری» قرار داده‌اند که از بسیاری جهات تابع قواعد ویژه خود هستند (Merges, 2011:22) .برخی نیز ماهیت حق مزبور را متشکل از دو حق مادی و معنوی دانسته‌اند؛ زیرا حق معنوی وابسته به شخصیت پدیدآورنده است و حق مادی وابسته به وسیله امرارمعاش پدیدآورنده است (زرکلام،۱۳۸۸: ۷). این اختلاف صرفاً جنبه نظری ندارد، بلکه آثار عملی مهمی نیز به همراه دارد. برای مثال اگر حقوق مالکیت فکری نوعی مالکیت تلقی شود، قواعد عمومی مالکیت، ازجمله اصل تسلط مالک و اصل احترام مال و ضمان ناشی از اتلاف، قابلیت اعمال بر آن را خواهند داشت؛ اما اگر این حقوق صرفاً امتیازی قانونی یا حقی استثنایی تلقی شوند، قلمرو حمایت از آن‌ها محدود به نصوص قانونی خواهد بود و توسعه آن‌ها از طریق قواعد عمومی با دشواری مواجه می‌شود. این اختلاف، یکی از نخستین چالش‌های نظام حقوقی ایران نیز به شمار می‌رود؛ زیرا قانون‌گذار بدون ارائه تعریفی جامع از ماهیت حقوق مالکیت فکری، صرفاً به بیان مصادیق و آثار آن پرداخته است.

در فقه امامیه نیز اگرچه اصطلاح «مالکیت فکری» در منابع کلاسیک مشاهده نمی‌شود، اما این امر به معنای فقدان ظرفیت فقه برای شناسایی چنین حقوقی نیست. بسیاری از نهادهای حقوقی معاصر، ازجمله شخصیت حقوقی، بیمه، اوراق بهادار و دارایی‌های دیجیتال نیز در متون نخستین فقه وجود نداشته‌اند، اما با استفاده از قواعد عام فقه معاملات و اصل پویایی اجتهاد، مشروعیت آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. ازاین‌رو، پرسش اصلی در فقه امامیه آن نیست که آیا عنوان «مالکیت فکری» در منابع روایی یا فقهی وجود دارد، بلکه این است که آیا دستاوردهای فکری از منظر فقه، واجد «مالیت» بوده و قابلیت اختصاص و حمایت شرعی را دارند یا خیر. پاسخ به این پرسش، مبنای تحلیل سایر قواعد فقهی خواهد بود؛ زیرا تا زمانی که مالیت یک موضوع احراز نشود، قواعدی مانند تسلیط، احترام مال، اتلاف و تسبیب نیز قابلیت اعمال نخواهند داشت. از همین رو، در ادامه مقاله نشان داده خواهد شد که پذیرش «مالیت عرفی» به‌عنوان مبنای

مشترک فقه و حقوق، می‌تواند بسیاری از اختلافات نظری موجود را کاهش داده و زمینه ارائه تفسیری کارآمد از قواعد فقه امامیه در حوزه مالکیت فکری را فراهم آورد.

۱-۲. مالیت عرفی؛ زیربنای فقهی حمایت از حقوق مالکیت فکری

یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌هایی که در تحلیل فقهی حقوق مالکیت فکری مطرح می‌شود، آن است که آیا دستاوردهای فکری را می‌توان مال تلقی کرد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش، صرفاً جنبه نظری ندارد؛ زیرا شمول یا عدم شمول قواعد فقهی همچون قاعده تسلیط، احترام مال، اتلاف، تسبیب و ضمان، منوط به احراز مالیت موضوع است. به بیان دیگر، اگر آثار فکری از منظر فقه امامیه واجد مالیت نباشند، حمایت از آن‌ها بر پایه قواعد عمومی فقه معاملات با دشواری جدی مواجه خواهد شد (حدادزاده‌شکیبا و سهرابی‌شعجبره، ۱۴۰۴: ۶۵). در فقه امامیه، تعریف جامعی از مال ارائه نشده است، اما فقها در بیان ویژگی‌های آن اتفاق‌نظر نسبی دارند. مشهور فقها مال را چیزی می‌دانند که نزد عرف دارای منفعت عقلایی بوده و مردم برای تحصیل آن رغبت داشته باشند. این برداشت مفهوم مال را از اشیای عینی فراتر برده و امکان شناسایی بسیاری از دارایی‌های نامشهود را فراهم می‌کند. بنابراین معیار مالیت، بیش از آنکه مادی بودن شیء باشد، وجود منفعت مشروع و رغبت عقلایی جامعه نسبت به آن است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ج۲، ۳۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۲ ج۲، ۱۰۲).

شیخ مرتضی انصاری نیز در بحث بیع، مالیت را تابع منفعت عقلایی دانسته و تصریح می‌کند که آنچه عرف دارای منفعت قابل اعتنا بداند، می‌تواند موضوع معامله قرار گیرد (انصاری، ۱۴۲۰: ج۴، ۹). از این دیدگاه، ارزش اقتصادی یک مال الزاماً ناشی از ویژگی‌های مادی آن نیست، بلکه ممکن است ناشی از دانش، خلاقیت، اطلاعات یا امتیازاتی باشد که عرف برای آن ارزش اقتصادی قائل است. چنین برداشتی زمینه نظری مناسبی برای پذیرش حقوق مالکیت فکری در چارچوب قواعد عمومی فقه معاملات فراهم می‌آورد. این تحلیل با تحولات حقوق خصوصی نیز هم‌خوانی دارد.

در حقوق مدنی ایران همگام با تحولات اقتصادی، مفهوم مال از اشیای مادی فراتر رفته است. ملاک اصلی در شناسایی مال، ارزش اقتصادی، انتفاع مشروع، قابلیت اختصاص و نقل‌وانتقال است (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۹). این تحلیل با واقعیت‌های اقتصاد دیجیتال که در آن ارزش دارایی‌های نامشهود اسرار تجاری، نرم‌افزارها و فناوری‌ها گاه از اموال مادی پیشی می‌گیرد، همخوانی دارد (Gervais, 2022: 10).

قانون‌گذار ایران در ادوار مختلف، مالیت دارایی‌های نامشهود را شناسایی و قوانین حمایتی را به شرح زیر برای آن وضع نموده است:

۱. حقوق مادی پدیدآورنده: قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ در مواد ۱ تا ۳، اثر فکری را به‌عنوان یک حق مالیِ انحصاری مورد حمایت قرار داده و قابلیت نقل‌وانتقال مادی آن را پذیرفته است؛

۲. اسرار تجاری و داده‌های ارزشمند: در قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب۱۴۰۳، قانون‌گذار گام مهمی در جهت شناسایی مالیت داده‌ها برداشته است. بر اساس ماده ۱۲۲ این قانون، «اسرار تجاری» به دلیل دارا بودن «ارزش اقتصادی مستقل بالقوه یا بالفعل» مورد حمایت قانونی قرار گرفته‌اند، مشروط بر اینکه صاحب آن تدابیر متعارفی برای حفظ محرمانگی آن‌ها اتخاذ کرده باشد. این ماده نمونه بارز پذیرش مالیتِ اطلاعات غیرمادی بر اساس ارزش اقتصادی عرفی آن‌هاست.[۱] النهایه باید به این قید مهم توجه نمود که صرفِ وجود ارزش اقتصادی یا رغبت عرفی برای یک پدیده؛ مثلاً یک ایده خام یا یک فرمول ریاضی ساده، بدون شناسایی صریح قانونی، برای آن «حق مالکیت فکریِ انحصاری» ایجاد نمی‌کند؛ بلکه قاعده مالیت عرفی و تأثیر بنای عقلا در شناسایی آن، زمانی می‌توانند منشأ اثر قضایی مستقل شوند که در تعارض با قواعد آمره یا مصالح عمومی، مانند حق دسترسی آزاد به اطلاعات علمی قرار نگیرند.

۱-۳. بنای عقلا؛ مبنای پویای شناسایی و حمایت از حقوق مالکیت فکری

یکی از بنیادین‌ترین مبانی فقهی در توجیه مشروعیت حقوق مالکیت فکری «بنای عقلا» است. این مبنا ظرفیت آن را دارد که میان فقه امامیه و موضوعات مستحدثه و نوظهور پیوند برقرار کند. در اصول فقه، بنای عقلا به رویه مستمر و عقلایی در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی اطلاق می‌شود که شارع مقدس آن را امضا کرده است (مظفر، ۱۴۲۲ق: ج۲، ۱۵۳). از این منظر، حقوق مالکیت فکری نه به‌عنوان یک اختراع قانونی، بلکه به‌عنوان نتیجه امضای عرف عقلایی، توسط سیستم حقوقی تحلیل می‌شود.

در جامعه معاصر عرف عقلایی برای آثار فکری، همچون کتاب، نرم‌افزار، اختراع، اسرار تجاری و

---

۱. . اسرار تجاری عبارت است از هر نوع اطلاعات تجاری که دارای ارزش اقتصادی مستقل بالقوه یا بالفعل یا ارزش رقابتی باشد و به‌سبب آنکه عموماً ناشناخته است و به‌سادگی و از طرق قانونی قابل دستیابی یا احراز نیست، دارنده قانونی، تدابیر متعارفی را برای حفظ محرمانگی آنها ترتیب داده باشد.

داده‌ها، ارزش اقتصادی مستقل قائل است. پدیدآورنده بر اساس انتظار مشروع اجتماعی، خود را ذی‌حق در بهره‌برداری انحصاری می‌داند و عقلا نیز این انتظار را محترم می‌شمارند (حکمت‌نیا، ۱۴۰۰: ۵۲). این واقعیت اجتماعی، مبنای پذیرش مالیتِ دارایی‌های نامشهود در فقه است که در قوانین ایران نیز بدین شرح منعکس شده است:

الف. مالکیت ادبی و هنری: قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ در مواد ۱ تا ۳، با شناسایی حق انحصاری مادی و معنوی، درواقع بنای عقلای عصر خود را امضا کرده است؛

ب. مالکیت صنعتی و اسرار تجاری: در قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، قانون‌گذار با تسری حمایت به مواردی چون اسرار تجاری موضوع ماده ۱۲۲ این قانون، قلمرو مالکیت را به حوزه‌هایی گسترش داده که پیش‌تر تنها در عرف تجاری محترم بودند. بر اساس ماده ۱۲۲ این قانون، اطلاعاتی که دارای ارزش اقتصادی هستند و تدابیر محرمانگی برای آن‌ها اتخاذ شده، مال محسوب و مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرند.

یکی از کارکردهای حیاتی بنای عقلا، ابزارسازی برای قضات در مواجهه با فناوری‌های نوین، مانند هوش مصنوعی یا بلاکچین است که قانون در مورد آن‌ها ساکت است. ازاین‌رو قضات طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در صورت سکوت یا اجمال قانون مکلفند به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر رجوع کنند. فتاوی معاصر نیز غالباً با تکیه‌بر بنای عقلا، مالیت آثار فکری را پذیرفته‌اند. علاوه‌بر این مطابق ماده ۲۲۰ قانون مدنی، متعاملین نه‌تنها به متن قرارداد، بلکه به تمام نتایجی که به‌موجب عرف و عادت از عقد حاصل می‌شود، ملزم هستند. این ماده اجازه می‌دهد که در قراردادهای لایسنس یا انتقال فناوری، عرفِ عقلاییِ حاکم بر بازار تکنولوژی به‌عنوان مکمل اراده طرفین عمل کند. البته لازم به ذکر است که بنای عقلا در حقوق مالکیت فکری همواره دوسویه است: از یک سو حمایت از پدیدآورنده و از سوی دیگر حفظ جریان دانش (Merges, 2011: 14).

۱-۴. قاعده تسلیط؛ مبنای فقهی اختیار و انحصار در حقوق مالکیت فکری

قاعده فقهی تسلیط که در گزاره مشهور «الناس مسلطون علی أموالهم» تجلی یافته، زیربنای اصل حاکمیت اراده و آزادی اشخاص در تصرف، بهره‌برداری و انتقال دارایی‌های خویش است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ۱ ج۱، ۲۲۷). اگرچه در اصالت سندی روایت بحث‌هایی وجود دارد، اما حجیت عملی آن به دلیل بنای عقلا و سیره مستمر عرفی، مورد اتفاق فقهای امامیه است (صدر، ۱۴۰۸ق: ج۴، ۶۱۶). در فقه سنتی، قلمرو قاعده

تسلیط عمدتاً ناظر بر اعیان مادی بود. اما با توجه به اینکه موضوع قاعده، مال است و نه لزوماً جسم فیزیکی، هرگاه که عرف برای یک حق مانند حق پدیدآورنده یا مخترع، مالیت و ارزش اقتصادی قائل شود، قاعده تسلیط بر آن حاکم خواهد بود (انصاری، ۱۴۲۰ ق: ج۴، ۹). امروزه در اقتصاد دانش‌بنیان سلطه بر اثر، نظیر امکان جلوگیری از تکثیر غیرمجاز یا فروش حق‌الامتیاز مصداق بارز تسلط مالکانه است. لذا صاحب اثر فکری حق دارد هرگونه تصرف مادی مانند فروش و اجاره یا تصرف معنوی در مایملک خود داشته باشد؛ مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

قانون‌گذار ایران مفاد این قاعده فقهی را در متون قانونی به شرح زیر تثبیت کرده است: مطابق ماده ۳۰ قانون مدنی؛ هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. مطابق ماده ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، حق انحصاری نشر، پخش و بهره‌برداری مادی را برای پدیدآورنده به رسمیت شناخته و مواد ۵ و ۶ این قانون نیز آزادی در انتقال این حقوق را تأیید کرده‌اند.

با تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی در سال ۱۴۰۳، مالکیت در مورد اختراع، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری بر اساس نظام جدیدی از حقوق انحصاری تعریف شده است که مؤید سلطه مالکانه بر دارایی‌های صنعتی است. توسعه قاعده تسلیط به حوزه مالکیت فکری نباید به ایجاد انحصارهای مخل رقابت یا انسداد دانش منجر شود (Sherman, 2024: 28 & Bently). از منظر فقهی نیز اطلاق قاعده تسلیط توسط قواعد مهمی چون قاعده لاضرر و قاعده منع اکل مال به باطل محدود می‌شود. در نظام حقوقی ایران، این تعدیل از طریق پیش‌بینی استثنائاتی نظیر استفاده منصفانه آموزشی در مواد ۷ و ۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و اجازه‌نامه‌های اجباری در قانون جدید مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ صورت گرفته است. این رویکرد نشان می‌دهد که تسلط بر مال در حوزه فکری، حقی است که در چارچوب مصلحت عمومی و پیشرفت علم تعریف می‌شود.[۱]

---

۱. ماده ۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان: نقل از اثرهائی که انتشار یافته است و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر ماخذ در حدود متعارف مجاز است.

ماده ۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان: کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند می‌توانند طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید از اثرهای مورد حمایت این قانون از راه عکسبرداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه برداری کنند.

۱-۵. قاعده اتلاف و تسبیب؛ مبنای مسئولیت مدنی در نقض حقوق مالکیت فکری

در نظام حقوقی ایران، پس از احراز مالیت عرفی دارایی‌های فکری، مهم‌ترین چالش در مرحله دادرسی، تعیین مبنای ضمان و شیوه جبران خسارت مادی است. در فقه امامیه مسئولیت مدنی، عمدتاً بر دو قاعده اتلاف و تسبیب استوار است که در قانون مدنی ایران نیز منعکس شده‌اند. انطباق این قواعد بر حقوق مالکیت فکری، مستلزم تبیین دقیق این مفهوم است. قاعده اتلاف، مستند به روایت من أتلف مال الغیر فهو له ضامن؛ که در ماده ۳۲۸ قانون مدنی تجلی یافته است، مقرر می‌دارد: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن مثل یا قیمت آن است؛ اعم از اینکه از روی عمد باشد یا خطا و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت».

در اموال مادی، تلف به معنای نابودی فیزیکی است؛ اما در دارایی‌های فکری، تلف به معنای نابود کردن ارزش انحصاری و قابلیت مبادله اثر است. برای مثال هنگامی که شخصی بدون مجوز، نسخه اصلی یک نرم‌افزار را در فضای مجازی منتشر می‌کند، عینِ اثر یعنی کدها از بین نرفته است، اما مالیت آنکه وابسته به انحصار در فروش است، تلف شده است. لذا بر اساس ماده ۳۲۸ قانون مدنی، مرتکب ملزم به جبران خسارت به میزان کاهش قیمت یا ارزش بازاری اثر است. در مواردی که شخص مستقیماً حق را نقض نمی‌کند، اما زمینه آن را فراهم می‌سازد، قاعده تسبیب، موضوع ماده ۳۳۱ قانون مدنی حاکم است. بر اساس این ماده؛ هر کس سبب تلف مالی بشود، باید از عهده مثل یا قیمت آن برآید. این قاعده مبنای اصلی برای انتساب مسئولیت به پلتفرم‌های دیجیتال یا ارائه‌دهندگان خدماتی است که با آگاهی یا تقصیر، بستر نقض حقوق مالکیت فکری دیگران را فراهم می‌کنند. در اینجا تسبیب به معنای ایجاد رابطه سببیت عرفی میان فعل واسطه و ورود ضرر مادی به پدیدآورنده است

قوانین خاص ایران نیز بر مبنای همین قواعد فقهی، ضمانت مدنی را پیش‌بینی کرده‌اند: ماده ۲۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸، صراحتاً به لزوم جبران خسارت شاکی خصوصی اشاره کرده است.[۱] ماده ۱۳ اصلاحی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۴۰۳، نیز بر لزوم جبران خسارت مادی؛ علاوه‌بر مجازات کیفری تأکید دارد.[۲]

---

۱. ماده ۲۸ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان: هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود .

۲. ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای (اصلاحی ۱۴۰۳): هرکس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض نماید علاوه بر جبران خسارت به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ۳۳۰٬۰۰۰٬۰۰۰ تا ۶۶۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال محکوم می‌گردد.

مهم‌ترین معضل تفسیری در اجرای قواعد اتلاف و تسبیب، تعیین میزان خسارت است. از آنجا که اثبات نفع فوت شده در حقوق ایران با محدودیت‌هایی مواجه است، رویه قضایی به سمت محاسبه اجرت‌المثل سوق یافته است. یعنی ناقض ملزم می‌شود مبلغی معادل هزینه متعارف لایسنس یا قرارداد واگذاری حق در شرایط عادی را به صاحب حق بپردازد. این رویکرد، تفسیری است که میان قاعده فقهی احترام مال که بهره‌برداری بدون اذن را مستوجب پرداخت عوض می‌داند و نیازهای اقتصادی عصر دیجیتال تعادل برقرار می‌کند (Haddadzadeh, Shakiba,Qasemi, 2022: 51). النهایه قواعد اتلاف و تسبیب، ظرفیت کامل برای تبدیل شدن به ستون فقرات مسئولیت مدنی در حوزه مالکیت فکری را دارا هستند؛ مشروط بر آنکه دادرسان از تفسیر مضیق و فیزیکی از تلف فاصله گرفته و نابودی ارزش انحصاری و اعتبار تجاری را مصداق تلفِ منفعت یا نقص قیمت مال؛ موضوع مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی قلمداد کنند. این بازخوانی پویا، نظام حقوقی ایران را قادر می‌سازد بدون نیاز به کپی‌برداری صرف از نظامات خارجی، با اتکا به ریشه‌های فقهی خود، به جبران عادلانه خسارات در فضای مجازی و اقتصاد دیجیتال بپردازد.

۱-۶. قاعده احترام مال؛ مبنای فقهی حمایت از دارایی‌های فکری

یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی که می‌تواند به‌عنوان بستر نظری حمایت از حقوق مالکیت فکری مورد استناد قرار گیرد، قاعده «احترام مال مسلمان» است. این قاعده که ریشه در ادله اربعه به‌ویژه روایات معتبری نظیر «حُرْمَةُ مَالِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۶۱۰) و مفاد آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (سوره نساء، آیه ۲۹) دارد، مصونیت اموال اشخاص از هرگونه تعرض، تضییع و تصرف بدون مجوز شرعی یا قانونی را افاده می‌کند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۲۱۳). بااین‌حال، تحلیل کارآمدی این قاعده در عصر دیجیتال، مستلزم واکاوی سه محور «تحول مفهوم مالیت»، «تطبیق با حقوق موضوعه» و «تحدید مرزهای انحصار به نفع منافع عمومی» است. اعمال قاعده احترام بر حقوق مالکیت فکری، مستلزم اثبات عنوان مال بر دارایی‌های نامشهود است. در فقه امامیه مالیت، مفهومی مخترع شرعی نیست، بلکه پدیده‌ای عرفی و عقلایی است. هرگاه، عرف برای یک پدیده یا حق، منفعت عقلاییِ حلال و ارزش معاوضی قائل باشد، مالیت آن محرز است.

در اقتصاد معاصر، دارایی‌های فکری، مانند نرم‌افزارها، علائم تجاری، کدهای بلاکچین و کتب دیجیتال، هسته اصلی سرمایه بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهند (Gervais, 2020: 10). بنابراین با احراز مالیت عرفی این

آثار، تکثیر غیرمجاز یا بهره‌برداری بدون اذن از آن‌ها، نقض عهد ساده یا تخلف انضباطی نیست؛ بلکه تصرف غاصبانه در مال غیر و مصداق بارز هدم احترامِ مال است.

قانون‌گذار ایران در قوانین مختلف، مفاد فقهی قاعده احترام مال را در قالب مسئولیت مدنی ناشی از نقض حق تبلور بخشیده است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، با تسری ضمان به هر کس که بدون مجوز قانونی به مال یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه بزند، بستر قانونی اجرای قاعده احترام را فراهم کرده است. صیانت از این حق مادی در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، به‌ویژه ماده ۳ و ضمانت اجرای ماده ۲۸ این قانون، جلوه‌ای از اعمال قاعده احترام بر دارایی‌های فکری است.[۱]

حقوق مالکیت فکری برخلاف اموال مادی، با حق دسترسی جامعه به دانش و اطلاعات درهم‌تنیده است؛ لذا قاعده احترام در این حوزه نمی‌تواند مطلق باشد. این قاعده باید در پرتو قواعد دست دوم نظیر لاضرر، نفی حرج و مصالح عمومی تفسیر شود تا انحصار پدیدآورنده مانع پیشرفت علمی جامعه نگردد. در حقوق موضوعه ایران، این تعادل از طریق پیش‌بینی استثنائات قانونی به شرح زیر صورت گرفته است:

۱. نقل‌قول محدود آموزشی و علمی، موضوع ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸: استفاده ادبی، علمی و آموزشی در حدود متعارف و با ذکر مأخذ، تعرض به مال تلقی نشده و مجاز است؛
۲. تکثیر غیرانتفاعی توسط معلمان موضوع تبصره ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸: تکثیر جزوه‌های آموزشی بدون جنبه تجاری مجاز قلمداد شده است؛
۳. نسخه‌برداری برای استفاده شخصی، موضوع ماده ۱۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸: تکثیر کتب و جزوات صرفاً برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی، خارج از شمول نقض قاعده احترام است.

در همین راستا، کارکرد نوین قاعده احترام مال در حقوق مالکیت فکری، ایجاد یک اصل راهنما جهت رفع ابهام و اجمال از قوانین خاص است. در مواردی که فناوری‌های نوین مانند آموزش مدل‌های هوش

---

۱. ماده ۳: حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او است.
ماده ۲۸: هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود .

مصنوعی با داده‌های دارای کپی‌رایت در قوانین مدون، فاقد حکم صریح هستند، قاعده احترام مال با تکیه‌بر مالیت عرفی این داده‌ها، مبنایی محکم برای احراز مسئولیت مدنی ناقضان و ارائه‌دهندگان خدمات واسط فراهم می‌سازد؛ مشروط بر اینکه بهره‌برداری صورت گرفته خارج از محدوده استثنائات عقلایی و مصالح عمومیِ مصرح در قوانین موضوعه باشد.

۲. تحلیل چالش‌های حقوق مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران

ذیل این مبحث به تحلیل چالش‌های حقوق مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

۲-۱. چالش‌های مفهومی؛ ابهام در ماهیت حقوق مالکیت فکری و آثار آن بر نظام حقوقی ایران

یکی از بنیادی‌ترین موانع در مسیر توسعه و کارآمدی نظام حقوق مالکیت فکری در ایران، فقدان اجماع و ابهام در تبیین دقیق ماهیت حقوقی این نهاد است. در فقه و دکترین حقوقی ایران این چالش بنیادین وجود دارد که آیا حقوق ناشی از آفرینش‌های فکری را باید مصداقی از حق مالکیت؛ همانند مالکیت بر اموال مادی دانست یا اینکه این حقوق صرفاً امتیازاتی قانونی، موقت و استثنایی هستند که حاکمیت برای تشویق نوآوری اعطا می‌کند. این ابهام نظری، منشأ تعارض‌های جدی در چهار حوزه قانون‌گذاری، رویه قضایی، تفسیر قراردادها و ضمانت اجراها شده است.

بررسی قوانین موضوعه ایران نشان می‌دهد که قانون‌گذار به‌جای اتخاذ موضع مفهومی واحد، رویکردی چندگانه و در مواردی مبهم را در پیش گرفته است: الف. قانون‌گذار در حوزه مالکیت ادبی و هنری و قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، به جای اصطلاح مالکیت، از واژه حقوق پدیدآورنده استفاده کرده است. مطابق ماده ۳ این قانون، این حقوق شامل دو بخش مادی و معنوی است. بر اساس ماده ۴ همین قانون، حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نبوده و غیرقابل انتقال است. در مقابل، حقوق مادی، طبق ماده ۵ این قانون، قابل واگذاری قراردادی است و بر اساس ماده ۱۲ همین قانون؛ این حقوق پس از فوت پدیدآورنده تا مدت ۵۰ سال به وراث یا از طریق وصایت منتقل می‌شود. این ساختار انتقال و ارث‌پذیری مادی در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ نیز تکرار شده است، به‌طوری‌که طبق ماده ۱ این قانون، حق بهره‌برداری مادی به مدت ۳۰ سال به پدیدآورنده اختصاص دارد و حقوق معنوی نامحدود است.

با تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳؛ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ به‌طور صریح نسخ گردید. قانون جدید ۱۴۰۳ در مواد ۲ و ۳ خود، حقوق ناشی از اختراع را به‌جای مالکیت مطلق عینی، به‌عنوان «حقوق انحصاری منوط به ثبت» تعریف می‌کند. این رویکرد حاکی از آن است که قانون‌گذار متمایل به نظریه امتیاز قانونی ویژه است؛ زیرا بهره‌مندی از این حق را مشروط به طی تشریفات اداری ثبت دانسته و در ماده ۴ مواردی مانند نظریه‌های علمی، روش‌های ریاضی و آثار هنری را اصلاً خارج از شمول حمایت اختراع قرار داده است.

تفاوت میان پذیرش نظریه حق مالکیت با نظریه امتیاز قانونی استثنایی، صرفاً جنبه تئوریک ندارد، بلکه منشأ آثار عملی روبه‌رو است. الف. اعمال یا عدم اعمال قواعد عمومی مدنی: اگر حقوق مالکیت فکری را نوعی حق مالکیت یا حق عینی نامشهود بدانیم، در موارد سکوت قوانین خاص، قاضی می‌تواند به قواعد عمومی قانون مدنی، مانند احکام غصب، اتلاف، تسبیب، اصل تسلیط و احترام مال استناد کند. اما اگر این حقوق را صرفاً امتیاز قانونیِ محدود به قانون خاص قلمداد کنیم، در صورت وجود خلأ قانونی، مانند وضعیت داده‌های کلان یا حقوق مادی هوش مصنوعی، دادرسان به دلیل نبود نص صریح، از حمایت حقوقی خودداری می‌کنند؛ ب. توقیف حقوق فکری و وثیقه‌گذاری: در صورت تلقی این حقوق به‌عنوان امتیاز صرف، توقیف حقوق مادیِ ناشی از اختراع یا نرم‌افزار جهت پرداخت دیون (موضوع قانون اجرای احکام مدنی) با چالش روبه‌رو می‌شود؛ زیرا اموال غیرمادی صراحتاً در قوانین توقیف اموال پیش‌بینی نشده‌اند. درحالی‌که پذیرش مالیت و مالکیت بر این دارایی‌ها، توقیف، رهن و وثیقه‌گذاری آن‌ها را تسهیل می‌کند؛ ج. نحوه احراز نقض و خسارت مادی: در تبیین رابطه ضمان قهری، اگر اثر فکری مال تلقی نشود، صدور حکم به جبران خسارت ناشی از تکثیر غیرمجاز بر اساس قواعد اتلاف و تسبیب دشوار خواهد بود؛ زیرا برخی دادگاه‌ها تحقق اتلاف را منوط به از بین رفتن فیزیکی یک شیء مادی می‌دانند.

ازاین‌رو، پذیرش حقوق مالکیت فکری به‌عنوان مالکیت؛ نباید به کپی‌برداری مطلق از احکام مالکیت مادی منجر شود. چراکه دارایی‌های فکری واجد ویژگی‌هایی هستند که تعدیل حقوق مالکیت را ایجاب می‌کنند: ۱. خصلت غیررقابتی: استفاده هم‌زمان چند شخص از یک فرمول علمی یا اثر ادبی، برخلاف اموال مادی، مانع از استفاده هم‌زمان دیگران نمی‌شود و ذات مال را از بین نمی‌برد؛ ۲. تعارض با حقوق عمومی و توسعه علمی: برخلاف مالکیت سنتی، انحصار بی‌حدومرز در حوزه فکری می‌تواند مانع آموزش، پژوهش و جریان آزاد اطلاعات شود. به همین دلیل قوانین موضوعه؛ نظیر ماده ۱۲ قانون حمایت از مؤلفان،

مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ در محدود کردن زمان انحصار مادی و یا وجود استثنائات ثبت در قانون جدید صنعتی ۱۴۰۳؛ برقراری تعادل میان حقوق انحصاری پدیدآورنده و منافع جامعه را ضروری دانسته‌اند. درنهایت برای رفع تشتت آرا در رویه قضایی و قانون‌گذاری ایران، نظام حقوقی باید از دو دیدگاه افراطی یکسان‌انگاری کامل با اموال مادی یا تلقی آن به‌عنوان امتیاز قانونی صرف فاصله بگیرد.

راهکار علمی، شناسایی حقوق مالکیت فکری به‌عنوان حق مالی مستقل بر دارایی‌های نامشهود است. این ماهیت حقوقی، از یک سو بر مبانی مستحکم فقهی نظیر مالیت عرفی، بنای عقلا و قاعده احترام مال تکیه دارد که اعمال قواعد عمومی ضمان مدنی را ممکن می‌سازد و از سوی دیگر، با پذیرش ویژگی‌های خاص دارایی‌های فکری، محدودیت‌های قانونی ناشی از منافع عمومی و حق دسترسی جامعه به دانش را پذیرا می‌شود. بدون بازتعریف دقیق این مبنای مفهومی، حل چالش‌های فناورانه جدید مانند حقوق مادی آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی یا داده‌های عظیم دیجیتال در قوانین ایران ناممکن خواهد بود.

۲-۲. چالش‌های تقنینی؛ کاستی‌های نظام قانون‌گذاری مالکیت فکری در ایران در پرتو مبانی فقه امامیه

تحلیل ساختار تقنینی حقوق مالکیت فکری در ایران نشان می‌دهد که چالش اصلی این حوزه، نه فقدان قوانین حمایتی، بلکه پراکندگی مراجع قانون‌گذاری، ناهمگونی مبانی نظری قوانین در ادوار مختلف، عقب‌ماندگی از تحولات عصر دیجیتال و ضعف شدید در ضمانت جبران خسارت مادی است. این نارسایی‌ها، امنیت حقوقی و انگیزه‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاری خلاقانه را کاهش داده است. نظام تقنینی ایران در حوزه مالکیت فکری فاقد یک ساختار یکپارچه یا قانون جامع است و بر قوانین مستقل و متعددی استوار است که در طول دهه‌ها و بر پایه سیاست‌های متفاوتی تدوین شده‌اند. در حوزه ادبی و هنری، همچنان قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ حاکم است که در کنار آن، قوانین خاص و متفرقه نظیر قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ اجرا می‌شوند.

این تعدد قوانین موجب تعارض در تعاریف، قلمرو حمایت و مدت زمان انحصار شده است. به‌عنوان مثال، درحالی‌که مدت حمایت از حقوق مادی پدیدآورندگان آثار ادبی بر اساس ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان مصوب ۱۳۸۹؛ پنجاه سال پس از فوت است، این مدت برای نرم‌افزارهای رایانه‌ای طبق ماده ۱ قانون مصوب ۱۳۷۹، سی سال از تاریخ خلق اثر تعیین شده است. این تفاوت زمانی در حوزه آثار مالتی‌مدیا

و نرم‌افزارهای آمیخته با آثار هنری، تشتت عملی در تشخیص قانون حاکم ایجاد می‌کند. از سویی قانون‌گذار ایران با تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ گام مهمی جهت تجمیع قواعد مربوط به ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری برداشت و بر اساس ماده ۱۵۰ این قانون جدید، قانون سال ۱۳۸۶ را به‌طور کامل نسخ کرد. با وجود این، این تجمیع تنها به بخش صنعتی محدود شده و پیوند ساختاری و ماهوی میان بخش مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی‌هنری برقرار نشده است.

بخش عمده‌ای از مقررات ایران، به‌ویژه در حوزه حق مؤلف، در زمانی وضع شده‌اند که بستر توزیع فیزیکی مبنای کار بود. در محیط دیجیتال، خلأهای زیر نمود عینی دارند. ۱. نبود مقررات مربوط به مسئولیت واسطه‌های برخط: قوانین فعلی، فاقد حکمی پیرامون حدود مسئولیت پلتفرم‌های میزبان و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در قبال محتوای نقض‌کننده منتشر شده توسط کاربران هستند. گرچه در حقوق تطبیقی مانند قانون کپی‌رایت هزاره دیجیتال؛ فرآیند اخطار و حذف پیش‌بینی شده است، اما در ایران به دلیل سکوت تقنینی، مراجع قضایی مجبورند در این رابطه به قواعد عمومی تسبیب استناد کنند که اثبات تقصیر پلتفرم در آن با دشواری همراه است؛ ۲. ابهام در مفهوم تکثیر در فضای وب: بر اساس ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان؛ مصوب ۱۳۴۸، هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد، علاوه‌بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود.

بر اساس این قانون، تکثیر فیزیکی یکی از مصادیق واگذاری مادی است؛ درحالی‌که قانون مورد اشاره درباره بازتولیدهای موقت دیجیتال؛ مانند بارگذاری موقت در حافظه رم یا فناوری رایانش ابری ساکت است و مشخص نیست آیا ذخیره‌سازی موقت داده نیز نقض حق تکثیر به شمار می‌رود یا خیر. همچنین ظهور کلان‌داده‌ها، بلاکچین، قراردادهای هوشمند و سامانه‌های تولید محتوای خودکار با هوش مصنوعی، خلأ مقرراتی را در حقوق ایران عمیق‌تر کرده است؛ چراکه قوانین ایران نظیر قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ و قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ بیشتر جنبه‌های امنیتی، محرمانگی و کیفری داده‌ها را پوشش می‌دهند، اما فاقد چارچوبی برای شناسایی مالکیت یا انحصار مادی داده‌های صنعتی و پایگاه‌های داده به‌عنوان یک دارایی نامشهود مستقل هستند. از سویی در نظام مالکیت فکری ایران، شرط اساسی برای حمایت از اثر، اصالت و انتساب آن به خلاقیت فکری انسان است.

حال با پدید آمدن آثاری که به‌طور کامل توسط الگوریتم‌های یادگیری ماشین ایجاد می‌شوند، مشخص نیست آیا این خروجی‌ها اساساً در قلمرو حمایت حقوقی قرار می‌گیرند یا متعلق به مالک سامانه، برنامه‌نویس و یا در قلمرو عمومی هستند. ازاین‌رو مهم‌ترین پاشنه آشیل قوانین ایران، نبود سیستم‌های مدرن برای ارزیابی و محاسبه خسارت مادی است؛ چراکه در نظام حقوقی ایران، بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی مدعی باید ضرر مستقیم و واقعی وارده را اثبات کند. درحالی‌که در نقض حقوق فکری در بستر دیجیتال، اثبات میزان دقیقِ کاهش بازار یا منفعت از دست‌رفته پدیدآورنده کار فوق‌العاده دشواری است. از سویی، قوانینی نظیر ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان ۱۳۴۸ مجازات حبس تأدیبی را برای ناقضان پیش‌بینی کرده است، اما در عمل این مجازات‌ها به دلیل عدم تناسب با جرائم اقتصادی، بازدارندگی لازم را ندارند و خسارت مادی پدیدآورنده را ترمیم نمی‌کنند. اگرچه ماده ۱۳۱ قانون جدید مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ تلاش کرده ضمانت مدنی و تجاری متناسب‌تری را برای مالکیت صنعتی اعمال کند، اما حوزه کپی‌رایت همچنان از نبود معیارهای روشن برای محاسبه سود حاصل از نقض یا اجرت‌المثل فرض واگذاری رنج می‌برد.

از منظر فقه معاملات، کاستی‌های تقنینی فوق را نمی‌توان صرفاً با تکیه‌بر نصوص سنتی برطرف کرد، بلکه باید از ظرفیت قواعد عام فقهی برای قانون‌گذاری پویا بهره گرفت.

۱. به‌کارگیری مفهوم مالیت عرفی جهت شناسایی دارایی‌های نوظهور: فقه امامیه منشأ مالیت را عرف می‌داند. قانون‌گذار می‌تواند با تکیه‌بر این مبنا، کلان‌داده‌ها و خروجی‌های ارزشمند هوش مصنوعی را به‌عنوان مال نامشهودِ قابل حمایت تعریف کند؛

۲. استفاده از قاعده منع اکل مال به باطل و قاعده لاضرر: این قواعد مبنای فقهی مناسبی برای وضع قوانین حوزه مسئولیت پلتفرم‌های برخط و محاسبه خسارات غیرمستقیم هستند؛ چراکه بهره‌برداری رایگان پلتفرم‌ها از محتوای فکری دیگران بدون پرداخت حق‌الزحمه عادلانه، مصداق اکل مال به باطل و ضرر بلاجبران به پدیدآورنده است؛

۳. قاعده اتلاف و تسبیب در فضای دیجیتال: فقه امامیه با ابزار تسبیب، دامنه ضمان را به مواردی توسعه می‌دهد که شخص مستقیماً تلف کننده نیست، اما با فراهم کردن مقدمات، مانند عدم طراحی سازوکار احراز هویت در پلتفرم یا تسهیل دانلود غیرمجاز، زمینه نابودی ارزش تجاری اثر را فراهم می‌کند. النهایه نظام حقوقی ایران نیازمند گذار از قوانین پراکنده و قدیمیِ مبتنی بر بستر فیزیکی، به سمت یک «قانون جامع مالکیت فکری» است. این اصلاح تقنینی باید با استفاده از پویایی فقه امامیه در شناسایی مالیت عرفی

پدیده‌های نوظهور، ضمن حمایت از پدیدآورندگان و تعریف دقیق ضمانت مدنی جبران خسارت، منافع عمومی جامعه و مقتضیات توسعه فناوری را نیز به رسمیت بشناسد.

۲-۳. چالش‌های تفسیری در انطباق قواعد فقه امامیه با حقوق مالکیت فکری

چالش اصلی در انطباق قواعد سنتی فقه امامیه با حقوق مالکیت فکری، نه در مشروعیتِ اصولی، بلکه در نحوه تفسیر و تطبیق‌پذیری این قواعد با دارایی‌های نامشهود است. قواعد فقهی معاملات، غالباً بر پایه احکام اموال مادی و منافعِ عینی آن‌ها شکل گرفته‌اند؛ بنابراین، چالش در این است که چگونه باید این قواعد را بدون خدشه به اصالت فقهی، با ویژگی‌های خاصِ دارایی‌های فکری، مانند عدم رقابت در مصرف و نیاز به انحصار قانونی همسو کرد.

۲-۳-۱. چالش تعیین قلمرو مفهوم مال و ملکیت

نخستین چالش تفسیری به احراز موضوع حق بازمی‌گردد. بر اساس ماده ۳۰ قانون مدنی، حق مالکیت، حق همه‌گونه تصرف و انتفاع است؛ اما این ماده به‌طور سنتی بر عین خارجی تأکید دارد.

- نقد تفسیری: در فقه امامیه، «مال» چیزی است که در نزد عقلا دارای ارزش اقتصادی باشد و قابلیت اختصاص و انتفاع داشته باشد. با پذیرش این مبنا، حقوق مالکیت فکری نیز مال محسوب می‌شوند، اما اجرای احکامی همچون قاعده قبض و اقباض در معاملات یا تلفِ عین موضوع ماده ۳۲۸ قانون مدنی نسبت به آن‌ها محل بحث است.
- راهکار: تفسیر پویا ایجاب می‌کند که قبض در حقوق مالکیت فکری را نه به معنای استیلای فیزیکی، بلکه به معنای تمکینِ دارنده حق به انتفاعِ طرف مقابل یا ثبتِ رسمی در مراجع ذی‌صلاح؛ مانند اداره مالکیت صنعتی بدانیم. لذا مالیتِ این حقوق، مالیت اعتباری و عرفی است که آثار آن باید بر اساس ماده ۲۹ قانون مدنی؛ حقوقی که برای اشخاص نسبت به اموال حاصل می‌شود تحلیل گردد، نه بر اساس احکامِ اختصاصیِ اعیانِ مادی.

۲-۳-۲. قلمرو قواعد مسئولیت مدنی و جبران خسارت

قواعد اتلاف و تسبیب موضوع مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی، مبنای اصلی ضمان در حقوق ایران هستند، اما اعمال آن‌ها در نقض مالکیت فکری با دو چالش تفسیری روبه‌رو ست:

- احراز رابطه سببیت: در نقض حقوق فکری در فضای دیجیتال، گاه چندین عامل مانند کاربر، پلتفرم میزبان و ارائه‌دهنده خدمات دسترسی در وقوع خسارت نقش دارند. استناد به ماده ۳۳۱ قانون مدنی در باب تسبیب، قاضی را با این پرسش مواجه می‌کند که کدام عامل سببِ عرفی نقض بوده است. تفسیرِ این ماده در پرتو ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، به قاضی اجازه می‌دهد که دامنه سببیت را به تسهیل‌کنندگان نقض؛ مانند پلتفرم‌هایی که سازوکار نظارتی ندارند، تسری دهد.
- نحوه ارزیابی خسارت: بر اساس قواعد عمومی تنها خسارتِ اثبات شده قابل مطالبه است. در مالکیت فکری، منافعِ از دست رفته بخش عمده خسارت است. تفسیرِ مواد قانون مسئولیت مدنی باید به سمتی برود که سود احتمالی، در صورت عدم نقض، نیز به‌عنوان بخشی از ضررِ قطعیِ قابل مطالبه نگریسته شود، نه صرفاً ضررِ بالفعل.

۲-۳-۳. چالش تعادل میان حق انحصاری و منفعت عمومی

فلسفه اعطای حقوق انحصاری، ترغیب به نوآوری است، اما این انحصار نمی‌تواند مانع گردش دانش شود. این چالش در قوانین نوین ایران به صورت زیر بازتاب یافته است:

- محدودیت انحصار در قانون مالکیت صنعتی ۱۴۰۳: قانون‌گذار در ماده ۴ قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، با تعیین استثنائات مانند کشفیات علمی، نظریه‌های ریاضی و روش‌های درمانی، به خوبی نشان داده است که انحصارِ ناشی از اختراع، مطلق نیست. این رویکرد دقیقاً با قاعده فقهی لاضرر (منع اضرار به عموم و محدود کردن حق انحصاری در جایی که منجر به تضییع منافع حیاتی جامعه می‌شود) سازگار است.
- تفسیر استثنائات: در حوزه حقوق مؤلفان، قانون‌گذار در سکوتِ تقنینی به سر می‌برد. در اینجا تفسیر قواعد فقهی باید به‌گونه‌ای باشد که حقوق انحصاری ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ را در چارچوب نظم عمومی و عدالت اجتماعی محدود کند. این بدین معناست که استفاده‌های علمی، آموزشی و پژوهشی از آثار فکری، نه به‌عنوان یک حق برای غیر، بلکه به‌عنوان استثنایِ مجاز بر حقوق انحصاری، بر مبنای قاعده مصلحت تفسیر شود.

۲-۴. چالش‌های ناشی از فناوری‌های نوین؛ بازاندیشی در حقوق مالکیت فکری ایران در پرتو هوش مصنوعی، بلاکچین و اقتصاد داده

چالش‌های ناشی از فناوری‌های نوین؛ بازاندیشی در حقوق مالکیت فکری ایران در پرتو هوش مصنوعی، بلاکچین و اقتصاد داده و ظهور فناوری‌های تحول‌آفرین، پیش‌فرض‌های کلاسیک حقوق مالکیت فکری، یعنی انسان‌محوری در خلق اثر و مادی بودن بستر نقض را به چالش کشیده است. قوانین فعلی ایران، به‌ویژه قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و حتی قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، در مواجهه با این پدیده‌ها با خلأهای جدی روبه‌رو هستند. در حقوق ایران، حمایت از اثر مطابق ماده یک قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، منوط به وجود خلاقیت انسانی است. چالش اصلی زمانی رخ می‌دهد که هوش مصنوعی مولد، بدون دخالت مستقیم انسان، متون یا تصاویر هنری خلق می‌کند. از سویی قانون ایران میان اثر تولیدشده توسط انسان به کمک ابزار و اثر کاملاً خودکار تفکیکی قائل نشده است. لذا، خروجی‌های خودکار هوش مصنوعی، در حال حاضر فاقد مالکیت صریح قانونی هستند که منجر به دزدی آثار و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری می‌شود (حدادزاده‌شکیبا و هدایتی‌پور، ۱۴۰۴: ۷).

در همین راستا در اقتصاد دیجیتال، داده‌ها «نفت جدید» محسوب می‌شوند، اما نظام حقوقی ایران در شناسایی حق مالکیت بر داده، دچار لکنت است. قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ در مواد مرتبط با داده‌پیام، بیشتر بر امنیت و اصالت تمرکز دارد تا مالکیت فکری. همچنین داده‌های صنعتی در قانون جدید مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ تنها در قالب اسرار تجاری قابل حمایت هستند. لذا شرکت‌هایی که مجموعه داده‌های عظیم جمع‌آوری کرده‌اند، در صورت استخراج غیرمجاز توسط رقبا، به دلیل نبود حق مالکیت مستقل بر پایگاه داده، با دشواری در اثبات ضرر مواجه می‌شوند. در اینجا، استفاده از قواعد فقهی اتلاف و تسبیب، موضوع مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی، تنها راهکار جبرانی است؛ بدین‌معنا که استخراج انبوه داده، موجب تلفِ ارزش اقتصادیِ انحصاریِ آن مال می‌گردد. همچنین فناوری دفتر کل توزیع‌شده موسوم به دی آل بی تی، ابزارهای نوینی مانند توکن‌های غیرمثلی موسوم به ان اف تی‌ها را برای مدیریت مالکیت فکری معرفی کرده است که در ایران، ماهیت حقوقی این ابزارها، به‌عنوان سند مالکیت دیجیتال یا خودِ اثر روشن نیست. همچنین قراردادهای هوشمند که به‌طور خودکار اجرا می‌شوند، در صورت بروز نقض کپی‌رایت، با ماده ۲۱۹ قانون

مدنی، یعنی لزوم اجرای قرارداد در تعارض قرار می‌گیرند، زیرا فسخ یا اصلاح آن‌ها در بلاکچین به‌سادگی ممکن نیست.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل چالش‌های حقوق مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مبانی فقه امامیه نشان داد که فقه امامیه، برخلاف برخی برداشت‌های سنتی، از ظرفیت قابل توجهی برای توجیه و حمایت از حقوق مالکیت فکری برخوردار است. قواعدی همچون مالیت عرفی، بنای عقلا، قاعده تسلیط، احترام مال، اتلاف و تسبیب، در صورت تفسیر متناسب با تحولات اقتصادی و فناوری، می‌توانند مبنایی منسجم برای شناسایی، حمایت و جبران خسارت ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری فراهم آورند. بنابراین چالش اصلی نظام حقوقی ایران را نباید فقدان مبانی فقهی دانست، بلکه مشکل اساسی، فاصله میان این ظرفیت‌های نظری و نحوه انعکاس آن‌ها در قوانین و رویه‌های اجرایی است.

تحلیل انجام شده نشان داد که نظام تقنینی ایران، اگرچه در مقاطع مختلف با تصویب قوانین مربوط به حقوق مؤلفان، اختراعات و علائم تجاری گام‌هایی در جهت حمایت از دارایی‌های فکری برداشته است، اما پراکندگی مقررات، قدمت بخشی از قوانین، فقدان مقررات ناظر بر فناوری‌های نوین و نبود قانون جامع مالکیت فکری، موجب کاهش کارآمدی این نظام شده است. همچنین پژوهش حاضر نشان داد که ظهور فناوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی، بلاکچین، کلان‌داده‌ها و اقتصاد دیجیتال، بسیاری از مفاهیم کلاسیک حقوق مالکیت فکری را با چالش مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، اصرار بر تفسیر سنتی از مفهوم مال یا مالکیت، پاسخگوی نیازهای جامعه دانش‌بنیان نخواهد بود. در مقابل، تفسیر پویا از قواعد فقه امامیه، با تکیه‌بر عرف عقلایی و مصالح عمومی، این امکان را فراهم می‌کند که بدون عدول از اصول مسلم فقه، از دارایی‌های نامشهود و نوآوری‌های فناورانه نیز حمایت حقوقی مؤثر به عمل آید.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، اصلاح نظام حقوق مالکیت فکری در ایران مستلزم اتخاذ رویکردی چندبعدی است. نخست، تدوین یک قانون جامع مالکیت فکری که ضمن تجمیع مقررات پراکنده، موضوعاتی همچون آثار تولید شده با کمک هوش مصنوعی، پایگاه‌های داده، دارایی‌های دیجیتال، قراردادهای هوشمند و فناوری بلاکچین را نیز پوشش دهد؛ دوم، توسعه رویه قضایی تخصصی از طریق ایجاد یا تقویت شعب تخصصی مالکیت فکری، آموزش مستمر قضات و تدوین دستورالعمل‌های واحد برای ارزیابی خسارت‌های ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری؛ سوم، بهره‌گیری نظام‌مند از قواعد عمومی فقه

امامیه در مقام تفسیر قوانین و رفع خلأهای تقنینی، به‌گونه‌ای که این قواعد نقش مکمل و هدایت‌کننده در فرآیند استنباط قضایی ایفا کنند، نه آنکه جایگزین قانون‌گذاری شوند. درنهایت به نظر می‌رسد آینده حقوق مالکیت فکری در ایران در گرو ایجاد تعادل میان دو ضرورت اساسی است: از یک سو، حمایت مؤثر از نوآوری، خلاقیت و سرمایه‌گذاری در اقتصاد دانش‌بنیان و از سوی دیگر، حفظ منافع عمومی، دسترسی عادلانه به دانش و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارهای ناموجه. دستیابی به این تعادل، مستلزم بازخوانی مستمر مبانی فقه امامیه در پرتو تحولات فناوری و بهره‌گیری از تجربه‌های موفق حقوق تطبیقی است. تنها در چنین صورتی می‌توان نظامی حقوقی طراحی کرد که ضمن برخورداری از پشتوانه فقهی، پاسخگوی نیازهای جامعه دیجیتال و تحولات آینده نیز باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۹). **حاشیة کتاب المکاسب**، جلد ۲، تحقیق: شیخ عباس محمد آل سباع، چاپ اول، قم: انتشارات المحقق.

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰). **کتاب المکاسب**، جلد ۴، قم: تراث الشیخ الأعظم.

بجنوردی، سید محمدحسن موسوی (۱۳۷۷ش). **القواعد الفقهیة**، جلد ۲، چاپ اول، تحقیق: محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی، قم: نشر الهادی.

بروجردی، محمدتقی (۱۴۱۷). **نهایة الأفکار**، تقریرات آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، جلد ۴، بخش ۲، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة.

حدادزاده شکیبا، علی و سهرابی شعجبره (۱۴۰۴). «بررسی مبانی فلسفی مال انگاری حق شهرت و لزوم حمایت از آن»، **مجله آموزه‌های مالکیت فکری کشورهای اسلامی**. دوره ۱، شماره ۱.

حدادزاده‌شکیبا، علی و هدایتی‌پور، الهه (۱۴۰۴). «بررسی مفهوم مؤلف در نظام مالکیت فکری در پرتو تولیدات هوش مصنوعی»، **مجله آموزه‌های مالکیت فکری کشورهای اسلامی**. دوره ۱، شماره ۳.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). **وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة**، جلد ۸، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع) لإحیاء التراث.

حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۷). «بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**. سال ۹، شماره ۳۳.

حکمت‌نیا، محمود (۱۴۰۰). **نظام مالکیت فکری؛ خاستگاه، زیرساخت‌ها و ساختارها**، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

شاکری، زهرا (۱۴۰۳). «برخی مؤلفات مؤثر بر تحول نظام مالکیت فکری: گسترش یا تحدید قلمرو»، **دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی پژوهشکده حقوق و قانون ایران** دوره ۱، شماره ۲.

شفیعی شکیب، مرتضی (۱۳۸۱). **حمایت از حق مؤلف: قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی**، تهران: خانه کتاب.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸). «**القواعد الفقهیة**»، جلد ۴، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة

قافی، شریعتی و حسین، سعید (۱۴۰۰). **اصول فقه کاربردی**. جلد ۲، تهران: سمت.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). **اموال و مالکیت**. تهران: شرکت سهامی انتشار.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). **قواعد فقه**. جلد ۱، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مظفر، محمدرضا (۱۴۲۲ق). **أصول الفقه**، جلد ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

قانون تجارت الکترونیکی، مصوب ۱۷ دی ۱۳۸۲.

قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۴۰۳.

قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی، مصوب ۶ دی ۱۳۵۲.

قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۱ دی ۱۳۴۸.

قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۷ اردیبهشت ۱۳۳۹.

قانون مدنی، مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷، با اصلاحات و الحاقات بعدی.

Reference

Books

Bently, Lionel & Sherman, Brad. Intellectual Property Law. 6th ed. Oxford: Oxford University Press, 2024

Gervais, Daniel J. The TRIPS Agreement: Drafting History and Analysis. 5th ed. London: Sweet & Maxwell, 2022.

Merges, Robert P. Justifying Intellectual Property. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press, 2011

)Journal Article(

Haddadzadeh Shakiba, Ali,Qasemi, Mehdi "An investigation into the specific performance remedy for breach of contracts:A comparative study of the Islamic Iranian legal system and common law", Journal of sharia lawresearch, vol 7, no 1, 2022

Gervais, Daniel J. “The Machine as Author.” Iowa Law Review, Vol. 105, No. 5, 2020.

International instruments

World Intellectual Property Organization (WIPO). Revised Issues Paper on Intellectual Property Policy and Artificial Intelligence. Geneva: World Intellectual Property Organization, 2020. Available at: https://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=499504

World Intellectual Property Organization (WIPO) & Luiss Business School. (2024). World Intangible Investment Highlights 2024: Better Data for Better Policy. Geneva: World Intellectual Property Organization. DOI: 10.34667/tind.49737

World Intellectual Property Organization (WIPO). Blockchain Technologies and IP Ecosystems: A WIPO White Paper. Geneva: WIPO, 2022. DOI: 10.34667/tind.44950.

World Trade Organization (WTO). Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPSAgreement).Marrakesh:World Trade Organization, 1994. Available at: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/27-trips.pdf